

Feasibility of revisiting the courses on the theoretical foundations of Islam with an approach to health issues in medical universities

Mahmood Ayubi*: Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Abdolhamid Akoochekian: Ph.D. student, Department of Basic Science Studies, Sub-research institute of science and religion, Research Institute of Islamic Culture and Education, Tehran, Iran.

Abstract: Adopting a health-oriented approach in teaching Islamic Thought courses for medical students can be a source of dynamism and efficiency of these courses. The purpose of this study is to investigate the feasibility of offering these courses with an approach to health issues and to provide a general framework for developing new topics in these courses. This study was conducted using a qualitative approach in Isfahan University of Medical Sciences in the academic year of 2019-2020. Purposeful sampling included 22 instructors of the courses on theoretical foundations of Islam in Isfahan University of Medical Sciences, along with experts in the field of Islamic education and specialists in the field of health who had familiarity with Islamic thought. Data collection tool was a researcher-made questionnaire prepared by the consensus and Delphi group methods. All participants considered it possible to present the theoretical foundations of Islam with a health-oriented approach in terms of the objectives of these courses and in terms of health dimensions (physical, mental, social, and spiritual). Also, 60% believed that it is possible to offer these courses according to the approved topics. All of the participants considered this approach useful and necessary for medical students. The proposed topics with a health-oriented approach were agreed upon by 72% of the participants. Accordingly, adopting a health-oriented approach in the theoretical foundations of Islam in terms of objectives, topics and dimensions of health is possible and its implementation is useful and necessary for medical students. The feasibility of this approach can be the basis for transformation, innovation and, consequently, greater efficiency of these courses. The suggested topics provide a good basis for revisiting these courses.

Keywords: Feasibility Study, Review, Courses of Theoretical Foundations of Islam, Health-Based Approach.

***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Email: ma.auobi@gmail.com

مقدمه

مبانی نظری اسلام عنوان گرایشی از گرایش های پنج گانه دروس معارف اسلامی دانشگاه هاست که با هدف تقویت، تعمیق و گسترش اطلاعات دانشجویان نسبت به باورها و بنیان های اعتقادات دینی آنان در چهار واحد درسی برنامه ریزی شده است (معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی ۱۳۸۳). این گرایش در قالب چهار عنوان درسی «اندیشه اسلامی ۱» (مبدأ و معاد)، «اندیشه اسلامی ۲» (نبوت و امامت)، «انسان در اسلام» و «حقوق اجتماعی و سیاسی انسان در اسلام» ارائه می گردد. درس سوم یا چهارم این گرایش می تواند به حسب علاقه و انتخاب دانشجو جایگزین درس دوم (اندیشه اسلامی ۲) گردد. واقعیت آن است که در تدوین محتوا و متون آموزشی دروس معارف اسلامی توجه کافی به تخصص و رشته تحصیلی فراگیران نشده است، در حالی که این ظرفیت برای برخی از دروس معارف اسلامی از جمله دروس گرایش مبانی نظری اسلام وجود دارد که ارتباط قوی تری با دیگر علوم تجربی، تخصص های حرفه ای و رشته تحصیلی فراگیران داشته باشند. دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی به صورت حرفه ای در حوزه های فعالیت خواهند نمود که کاملاً کاربردی (practical) و تجربی و با واقعیات سلامتی و زندگی مردم مرتبط است. منطقی است که محتوای آموزشی دروس معارف اسلامی برای این دانشجویان به شکلی ویژه و بر اساس ضرورت های حرفه ای تدوین و تدریس گردد تا پاسخگوی نیاز آنان باشد. همزمان نیز مفاهیم حوزه سلامت ممکن و مطلوب است که با پیش فرض های کلامی دیده شوند، تا منجر به تحقق نگرش کمال یافته ای شود که دانشجوی رشته های پزشکی و پیراپزشکی پیش فرض های کلامی را از درون واقعیتی به نام «سلامت» در ابعاد چهارگانه آن (معنوی، روانی، اجتماعی و جسمی) که مرتبط با مباحث حوزه پزشکی است ملاحظه نماید. توجه به این نکته لازم است که هدف دروس معارف اسلامی، هویت بخشی به فرد و رساندن وی به منتهای کمال است. در

واقع، متبلور کردن رفتارهای مذهبی و پدیداری خصیصه های مطلوب شخصیتی، می تواند نشان موفقیت در یک فرایند تعلیم و تربیت موثر باشد. بنابراین در طول دوره تدریس این دروس، استاد می بایست شاهد تغییر رفتار دینی در میان متعلمین خود باشد. اما آنچه اهمیت دارد این است که رفتار دینی در بستر بازخوردها، باورها و بینش دینی حاصل می شوند نه فقط توسط کسب دانش دینی. همچنین برای اینکه بتوان باور و آمیزه ای از دانش و احساس مذهبی را به وجود آورد، باید به پنج رکن فراگیران، استادان، محتوای پیام، شرایط انتقال پیام و روش های انتقال پیام همزمان و به طور مساوی توجه کرد. از سوی دیگر تدریس دروس معارف اسلامی در سالیان متمادی ضرورت آسیب شناسی و نقد آن را ضروری ساخته و تصمیم گیران را به سمت این نگرش سوق داده است که ارائه این دروس با شیوه فعلی تا چه حد تأثیرگذار بوده و آیا اساساً این دروس نیاز به بازنگری دارد یا خیر؟ آیا این دروس توانسته اند رسالت خود در عرصه زندگی فردی و اجتماعی افراد را در رشته های مختلف علوم به خوبی انجام دهند تا وی بتواند در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی منشأ اثر باشد؟ توجه به شیوه تأثیرگذاری سبب می گردد تا چشم انداز، علل و عوامل کامیابی و یا ناکامی این دروس مشخص شود. تدوین فرایند تحول دروس معارف اسلامی، بر اساس رویکرد بنیادی فراگیران به دانش در شاخه های پزشکی، فنی مهندسی، علوم انسانی و هنر به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار، نقش مهمی در رسیدن به اهداف آموزشی و پژوهشی در حوزه دروس معارف اسلامی خواهد داشت. مطالعات انجام گرفته نیز این ضرورت را تأیید و تأکید نموده است:

عاشوری تلوکی در بررسی خود مهم ترین مشکلات دروس معارف اسلامی دانشگاه ها را مواردی همچون متون درسی ناهمخوان با سؤالات و نیازهای امروز دانشجویان، کمبود صلاحیت حرفه ای بعضی اساتید، ناکارآمدی بعضی مدیریت ها مطرح می کند (عاشوری تلوکی ۱۳۸۶). لیاقت

را کم و بسیار کم ذکر نموده اند (غلامی گنجوی و شمسایی ۱۳۹۸).

فیروزی بر این باور است که یکی از امور مهم در تدوین محتوای دروس معارف اسلامی تلاش در راستای تنوع بخشیدن به متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها متناسب با رشته های دانشجویان برای تدوین متون اختصاصی رشته های مختلف است. در این صورت دروس معارف اسلامی به حیطة کاربردی و مشاغل دانشجویان آورده شده و آنان را برای تصدی شئون مختلف زندگی، از جمله شغلی بر مبنای ارزشهای الهی و انسانی مهیا می کند (فیروزی ۱۳۹۷).

به هر حال مطالعات فوق، بنیادهای نظری لازم را برای توجه علمی و جدی به دروس معارف اسلامی و مشکلات و چالش های مبتلابه آنها را ضروری می سازد. بی شک در دنیای امروز نیز انسان نیاز به دین دارد و عقل، علوم تجربی و تجربه بشری اگر چه بسیار مفید و لازم اند اما کافی برای تأمین نیازهای بشر نیستند. دین هم در حوزه نیازهای فردی و روانشناختی انسان کاربرد دارد و هم در عرصه اجتماع و مناسبات انسانی و هم در رابطه با طبیعت. افزون بر آن با توجه به یکپارچگی نظام هستی و پیوند دنیا و آخرت، انسان باید دنیای خود را ناظر به زندگی جاوید اخروی تنظیم کند و در این زمینه چیزی جز دین الهی نمی تواند راهنمای انسان باشد. چنین ایده های وقتی ممکن است که جهت گیری این دروس در دانشگاه های علوم پزشکی با توجه به حوزه سلامت انجام شود. دروس گرایش مبانی نظری اسلام با توجه به نگرش کلامی حاکم بر آن و توجه به سرمنشأ باورهای کلامی آن، بنیادهای دینداری ما را به ویژه در حوزه سلامت شکل می دهند.

در این زمینه تأکید منابع دینی به ارزشمندی علوم تجربی و اندیشمندان آن، ترغیب به یادگیری و گسترش دانایی، ساختار حقیقت گرای آن و بیان حقایقی از علوم تجربی در راستای رسالت اصلی دین اسلام (هدایت بشر به سعادت و کمالات اخروی) می تواند ضرورت بازنگری در این دروس را تقویت نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا امکان ارائه دروس مبانی

دار و همکاران میزان رضایت دانشجویان از محتوای کتب معارف اسلامی را زیر حد متوسط ذکر می کند (لیاقت دار و همکاران ۱۳۸۷). یافته های پژوهش دیگری نشان داده که برخی بر این باورند که دروس معارف اسلامی تأثیری روی نگرش دینی دانشجویان نداشته است (یوسفی لویی ۱۳۸۶). اما از طرف دیگر در مطالعه رستمی و همکاران، کاربردی و مفید بودن مطالب ارائه شده، ارائه مطالب به شیوه های قابل درک برای دانشجو، ارائه مطالب هر جلسه کلاس به شکلی منظم و مرتبط با یکدیگر در دروس معارف، مطلوب ارزیابی شده است (رستمی و همکاران ۱۳۹۷).

برخی انطباق سرفصل های دروس معارف اسلامی را با مسایل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی امری ضروری دانسته اند (آقاجانی قناد ۱۳۸۰). اگر چه عوامل درونی مانند محتوا، روش تدریس، توانایی علمی اساتید، ویژگی های شخصیتی آنان و جایگاه دروس معارف اسلامی در برنامه درسی به عنوان عوامل تأثیرگذاری مطلوب این دروسند، ولی این دروس علاوه بر عوامل درونی وابسته به متغیرهای بیرون از محیط آموزشی نیز می باشند و دانشجویان باید آموزه های این دروس را بطور عینی در جامعه و روابط اجتماعی خود مشاهده کنند. همچنین تطبیق آنها با نیازها، سؤالات و دغدغه های اصلی و امروزی دانشجویان و پیوند با واقعیاتی که عملاً در جامعه پیرامون خود مشاهده می کنند، حیاتی است (امینی و همکاران ۱۳۹۲). بنابراین تأکید اساتید این حوزه بر ایجاد ارتباط با رشته مطالعاتی دانشجویان به منظور اثرگذاری بیشتر و مجهز ساختن اساتید معارف به آخرین دستاوردهای نظری و علمی مرتبط به دو حوزه معارف اسلامی و سلامت در جهان پرشتاب امروزی باید مورد توجه قرار گیرد.

در مطالعه ای ۶۰ درصد از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز تناسب عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی با نیازها، سؤال ها و شبهات فضای علوم پزشکی

مشکل از صاحب‌نظران در گرایش مبانی نظری اسلام هستند، ارائه گردید و بعد از بحث و تبادل نظر دیدگاه مورد توافق اکثریت در جلسات کمیته تخصصی و کارشناسان مشخص گردید. در مرحله سوم با توجه به بین‌رشته‌ای بودن مباحث، لازم بود اساتید متخصصی از حوزه سلامت که آشنای با مباحث معارف اسلامی هستند، انتخاب و نظر خود را بیان کنند. بعد از انتخاب هدفمند اساتید متخصص حوزه سلامت در جلسه کارشناسان، نتایج حاصله برای آنان ارسال و بعد از اظهارنظر آنان، جمع‌بندی نهایی این سه مرحله انجام شد و دیدگاه مبتنی بر نظر اکثریت، به‌حسب فراوانی درصد استخراج گردید.

یافته‌ها

در بررسی امکان پذیری گرایش مبانی نظری اسلام، سه عنوان درسی «اندیشه اسلامی ۱ و ۲» و درس «انسان در اسلام» مورد سنجش قرار گرفت، اما درس «حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام» به لحاظ ارائه کم‌تر آن در دانشگاه‌ها و ارتباط اندک آن با مباحث حوزه سلامت، نسبت به دو درس جایگزین آن مورد سنجش قرار نگرفت. نتایج امکان سنجی دروس مذکور و سرفصل‌های پیشنهادی سلامت محور به شرح ذیل است:

تمامی شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی ارائه دروس مبانی نظری اسلام را با رویکرد به مباحث حوزه سلامت از جهت اهداف این درس و ارائه این درس به‌حسب ابعاد سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) امکان‌پذیر دانستند. به‌حسب نظر اکثر مشارکت‌کنندگان در این مطالعه (۶۰ درصد) امکان ارائه این رویکرد به‌حسب سرفصل‌های مصوب وجود دارد. این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی به‌حسب نظر تمامی مشارکت‌کنندگان مفید و ضروری دانسته شد. سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی با رویکرد سلامت محور برای این دروس مورد توافق اکثریت (۷۲ درصد) مشارکت‌کنندگان

نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت وجود دارد؟ و به بیان دیگر اگر بخواهیم آموزه‌ها و محتوای این درس را از منظر و رویکردی سلامت محور و برای رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بازخوانی و بازنویسی کنیم، آیا امکان پذیر می‌باشد؟

روش کار

مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اجرا شد. مطالعه از جهت هدف کاربردی و به منظور ارتقای کیفیت خدمات است که با نگرشی نیازمحورانه و با دغدغه توسعه محتوا شکل گرفته است. نمونه‌گیری به شکل هدفمند شامل ۲۲ نفر از اساتید دروس مبانی نظری اسلام در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، کارشناسان حوزه معارف اسلامی و اساتید متخصص حوزه سلامت و آشنای به مباحث حوزه معارف اسلامی بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با پنج سؤال باز پاسخ است که سه سؤال آن پیرامون امکان ارائه این درس با رویکرد سلامت محور به‌حسب ابعاد آن (امکان به‌حسب اهداف درس، امکان به‌حسب سرفصل‌های مصوب و امکان به‌حسب ابعاد چهارگانه سلامت)، سؤال چهارم پیرامون مفید بودن و ضرورت این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی و مورد پنجم درخواست پیشنهاد سرفصل‌های مناسب برای این درس با رویکرد سلامت محور بود. پرسشنامه از جهت روایی محتوایی، توسط کارشناسان و اساتید متخصص در حوزه سلامت و آشنای با معارف اسلامی، بررسی و مورد تأکید قرار گرفت.

اجرای این طرح در سه مرحله انجام پذیرفت. در مرحله اول جلسه کمیته تخصصی گرایش مبانی نظری اسلام با حضور اساتید این درس تشکیل شد. بعد از طرح موضوع و توضیحات مسئول کمیته و کسب رضایت آگاهانه، افراد دیدگاه‌های خود را مطرح و بعد از بحث و تبادل نظر، دیدگاه‌های حاضران جمع‌آوری گردید. بعد از جلسه، مسؤول کمیته داده‌های مُنتج از پرسشنامه‌ها را پیرامون هریک از سؤالات پنج‌گانه استخراج نموده و فراوانی هر پاسخ به شکل درصد مشخص شد. در مرحله دوم نتایج جلسه کمیته تخصصی در جلسه کارشناسان که

قرار گرفت و نتایج حاصل از آن برای هر یک از دروس ۱- درس « اندیشه اسلامی ۱ » با محوریت مباحث عبارتند از:

اعتقادی مبدأ و معاد. (جدول ۱)

جدول ۱. سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی درس «اندیشه اسلامی ۱» با رویکرد سلامت محور

Table 1: Suggested topics for the course Islamic Thought 1 with a health-oriented approach

موضوعات	سرفصل‌ها
<p>دین داری متوازن: (هماهنگی شئون ذهنی و ادراکی، فردی و اجتماعی، رفتاری و تجربی و هر بخش به اندازه سهم خود و نه بیشتر)</p> <p>۱. بخشی عقاید تحقیقی، ایجاد حمایت ذهنی و در نتیجه سلامت روانی و انسجام ذهنی</p> <p>۲. بخش اخلاق به مثابه روح زندگی، با ایجاد سلامت روانی/فردی و اخلاق اجتماعی با ایجاد سلامت اجتماعی</p> <p>۳. بخش احکام به عنوان سازمان بخش رفتاری، با ساختار بخشی فردی و اجتماعی و سلامت رفتاری</p>	<p>فصل اول:</p> <p>دین پژوهی سلامت محور: باز بینی دین و دینداری از بیرون و توجه به کارکردهای آرامش بخشی روانی، معنی داری زندگی، انسجام بخشی اجتماعی</p>
<p>بررسی سازگاری دین با عقلانیت / دفاع عقلانی از دین: رجوع به علم، تجارب ذهنی، قدرت تفکر و فهم دیگران و تجارب عملی آنها (به دلیل گسترش بی‌وقفه حوزه دانش و تخصص) و تحقق سلامت روانی، اجتماعی</p> <p>ترکیب عقلانیت اخلاقی، عدالت و معنویت و تحقق یک شهود انفسی از زندگی دینی/ یک شهود زیسته معنا بخش به زندگی فردی و جمعی</p> <p>تبیین جهل مقدس(دینداری ای که منجر به فاجعه انسانی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می شود).</p>	<p>دین و عقلانیت</p>
<p>خدای خواستنی، تلاش برای خدا شناسی(سلامت جسمی/ مراقبت از خود، روانی/ انسجام روانی با خدای مشخص، اجتماعی/ نیاز به همبستگی اجتماعی حول مفهومی قدسی و معنوی)</p> <p>ارتباط با اسماء الهی (ارتباط با منبع سلامت روانی و عامل معنی داری زندگی)</p>	<p>فصل دوم:</p> <p>نیاز به خداشناسی؛ (نیاز به منبع و خاستگاه سلامت فراگیر)</p>
<p>نسبت مخلوقات با خداوند/ ارتباط فردی و اجتماعی با خداوند حامی، پناه گاه، مهربان و بخشنده (سلامت روانی، اجتماعی و معنوی)</p> <p>اول: کارکردها و خدمات اجتماعی دین</p> <p>۱- ایجاد جامعه سالم</p> <p>۲- دین پشتوانه اخلاق اجتماعی (استوار ساختن میثاق‌ها و پیمان‌ها و ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی)</p> <p>۳- عدالت و قانون</p> <p>دوم. کارکردها و خدمات روان شناختی دین/ معنی داری زندگی</p> <p>۱- معنا بخشیدن به زندگی</p> <p>۲- بهداشت، سلامت و آرامش روان</p> <p>۳- سازگاری جهان درون و بیرون؛ کاهش رنج‌ها</p> <p>۴- هدف بخشی و ایده‌آل پروری</p> <p>۵- پاسخ به احساس تنهایی</p>	<p>فصل سوم:</p> <p>خیر، شر و عدل الهی؛ عوامل و موانع تحقق سلامت به حسب ظاهر و واقع</p>
<p>شیوه برخورد خداوند با سرمایه های نخستین:</p> <ul style="list-style-type: none"> • ساختار نظام خلقت: حس قانون مندی/ سلامت روانی • تمرکز بر سعی انسان: حس عادلانه بودن برخورد خداوند/ سلامت روانی • حمایت خداوند از بندگان: سلامت معنوی 	<p>فصل چهارم:</p> <p>مراحل رشد ایمان انواع دین داری، منشأ ارتقاء سلامت فراگیر (روانی، اجتماعی و معنوی)</p>
<p>زندگی ما / خدای ما: تناسب نوع خدای که ما انتخاب می‌کنیم با نگاه ما به زندگی، انتظارات ما از زندگی و سطح و عمق آن. / تناسب نیاز و حامی/ سلامت روانی</p>	<p>فصل چهارم:</p> <p>مراحل رشد ایمان انواع دین داری، منشأ ارتقاء سلامت فراگیر (روانی، اجتماعی و معنوی)</p>
<p>ارتباط با خدا</p> <p>مراقبت معنوی، میانی، شاخصه‌ها</p> <p>مراقبت معنوی و تسریع در درمان</p> <p>دین، اضطراب‌ها و استرس‌ها / تأثیر دین داری در کاهش اضطراب و جلوگیری از بحران‌های روانی</p> <p>فرایند رشد ایمان و دینداری به مثابه واقعیتی روحی یا نفسانی (Psychological)</p> <p>عقل و ایمان؛ همراه و هم هدف در ساختن جامعه سالم</p>	<p>فصل چهارم:</p> <p>مراحل رشد ایمان انواع دین داری، منشأ ارتقاء سلامت فراگیر (روانی، اجتماعی و معنوی)</p>

نسبت دین و معنویت / نسبت دین و معنای زندگی / جستجوی معنا	
آزادی فلسفی: درک به عنوان بازیگر مختار فردی و اجتماعی (سلامت روانی، اجتماعی و معنوی) درک اراده آزاد معطوف به تغییر (آزادی روانی) درک امکان مدیریت سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)	فصل پنجم: جبر و اختیار
تفسیر مرگ به عنوان تفسیر زندگی: کاهش دادن ترس از مرگ عصاره زندگی: درک ابدیت (آرامش بخشی / سلامت روانی) زندگی ما / خدای ما / مرگ ما: درک یکپارچگی حیات (سلامت روانی) عارفانه ها: تولدی دوباره از جهانی به جهانی دیگر. (سلامت روانی) جاودانگی: تناسب حقیقت انسان با ابدیت او (سلامت معنوی و روانی) تجسم اعمال (سلامت معنوی)	فصل ششم: فرجام شناسی تحقق عینی سلامت واقعی و فراگیر

۲- درس « اندیشه اسلامی ۲ » با محوریت مباحث اعتقادی نبوت و امامت. (جدول ۲)

جدول ۲. سر فصل ها و موضوعات پیشنهادی درس «اندیشه اسلامی ۲» با رویکرد سلامت محور

Table 2. Suggested topics of Islamic Thought 2 with a health-oriented approach

موضوعات	سر فصل ها
پیش فرض های حوزه کلام دینی در مورد سلامت: عوامل سلامت بخش دینی: • رضایتمندی فردی و اجتماعی • زندگی دینی متوازن (سلامت روانی، اجتماعی و معنوی) • فلسفه زندگی (سلامت روانی و اجتماعی)	مقدمه
میراث پیامبران / نوعی زیستن متفاوت / نوعی تغییر نگاه: تغییر سبک زندگی: • فکری و ذهنی و روانی (سلامت روانی) • اجتماعی (سلامت اجتماعی / عقلانیت اخلاقی اجتماعی) • معناگرایانه (سلامت معنوی)	فصل اول: اندیشه ای برای زندگی (تلقی سلامت محور برای تحقق زندگی سالم / حیات طیبه)
چرایی ایمان مردم به پیامبران / پیامبران به کدام نیازشان پاسخ می دهند؟ (نیازهای فکری، روانی، معنوی و همبستگی اجتماعی)	فصل دوم: وحی و پیامبری راهبرد تحقق سبک (سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)
پیامبری برای همیشه؛ خاتمیت / نقش پیامبران در سلامت فردی و اجتماعی جوایع مدرن و نسبت سلامت و خاتمیت حس پایان تاریخ، بلوغ انسان آخر الزمان و مسئولیت هایش ترمیم وضعیت شکننده سلامت روانی، اجتماعی و معنوی	فصل سوم: گفتگوی علم و دین (سلامت فراگیر جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)
حمایت از عقل بشری / سلامت روانی حمایت از حقیقت / سلامت روانی و اجتماعی نظریه بلوغ / واقع گرایی انتقادی / خاتمیت تغییر نگرش به هستی با تبیین دینی و کلامی / روانی تغییر نگرش / تغییر روش / تغییر زندگی: توجه به جلوه های متفاوت حقیقت / روانی معنوی نسبت دین و روانشناسی / جایگاه روانشناختی ایمان دینی نسبت دین و حقوق (فردی و اجتماعی) با تأکید بر سلامت فردی و اجتماعی نسبت دین و علم با تأکید بر سلامت فردی و اجتماعی مقایسه زندگی دینی و غیر دینی (سکولار) از جهت شاخصه های سلامت آسیب شناسی تربیتی مهدویت	

راهِبرد اول : حقیقت‌گرایی (حنیفیت) / سلامت روانی	آسیب‌شناسی وضع موجود جوامع دینی	فصل چهارم : امامت و مهدویت (آینده پژوهی حوزه سلامت)
راهِبرد دوم : حق‌باوری / سلامت فردی و اجتماعی		
راهِبرد سوم : امامت / انسجام و سلامت اجتماعی		
راهِبرد چهارم : خردورزی / اخلاق‌ورزی / سلامت اخلاق فردی و اجتماعی		

۳- درس «انسان در اسلام» با محوریت مباحث هستی، استعدادها، مسئولیتها و آگاهی از ارزش واقعی
آشنایی با دیدگاه اسلام درباره انسان، جایگاه او در نظام انسان. (جدول ۳)

جدول ۳. سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی درس «انسان در اسلام» با رویکرد سلامت محور

Table 3: Suggested topics for the course Human Studies in Islam with a health-oriented approach

موضوعات	سرفصل‌ها
پیش فرض‌ها : • انسان به مثابه موجودی چند بعدی: جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی • عقلانیت و اخلاق فردی و اجتماعی • آگاهی و آزادی • خودآگاهی / ذهن آگاهی / روان آگاهی	مقدمه
در نگاه انبیا / نگاه جامع انبیا به ابعاد سلامت انسان انسان‌شناسی و جهان بینی و ارتباط آن با سلامت انسان	فصل اول : انسان‌شناسی با رویکرد سلامت محور
رویکردهای متفاوت در انسان‌شناسی انسان‌شناسی با رویکرد انسان کامل + انسان سالم / انسان ناقص + انسان بیمار / انسان سالم و شاخص‌های سلامت	
چرا اینجاییم؟! انسان معاصر و بحران معنا داری زندگی / سلامت روانی و معنوی علل پریش از فلسفه آفرینش: شاخصه‌های سلامت فردی و اجتماعی بحران‌های روانی، اجتماعی و معنوی دلایل پریش از فلسفه آفرینش: فرایند نیل به حیات طیبه / سلامت فراگیر	فصل دوم : فلسفه آفرینش انسان
انسان مرد، انسان زن (مردآگاهی، زن آگاهی / ذهن آگاهی) / سلامت روانی خاتمیت؛ دوران رشد عقلانیت در زندگی بشر / سلامت فراگیر	فصل سوم : خودآگاهی اجتماعی - تاریخی (سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)
ویژگی‌ها و شاخص‌هایی از دنیای امروز / مدرن / متجدد (آسیب‌شناسی حوزه‌های سلامت فراگیر) ویژگی‌هایی از انسان امروز / مدرن / متجدد فاجعه دوران جدید / بحران سلامت فراگیر بحران کرامت انسان / بحران معنا داری عوامل و موانع سلامت اجتماعی بیماری‌های اجتماعی بی تفاوتی، از خود بیگانگی و ... تأثیر آن در ناامنی	فصل چهارم : انسان امروز (سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی)
کرامت نفس / شکوفایی خود سالم ویژگی‌های دوران خاتمیت جامعه مورد انتظار نبوی و علوی / تحقق سلامت فراگیر و پایدار تولد انسان آخر الزمان / انسان طیبه / سالم ساز و کار تحقق انسان سالم آرمانی در ایران	فصل پنجم : انسان دین دار

بحث

پیشنهادی سلامت محور راهگشای مناسبی برای بازنگری این دروس برای دانشجویان رشته های پزشکی خواهد بود.

مطالعات دیگری همسو با این پژوهش نیز انجام شده است. در مطالعه ای با عنوان «شناخت آسیب ها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز» در بخش محتوای آموزشی لزوم توجه به رویکرد سلامت محور در دروس معارف اسلامی مورد تأیید اغلب دانشجویان قرار گرفته و وجود محتوایی با این رویکرد را در منابع آموزشی کم و بسیار کم ارزیابی کردند. در مطالعه حاضر، نیاز به آموزش و ارتقای مهارت‌های مدرسان معارف اسلامی که در دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام وظیفه می‌کنند، مطرح شده و پیشنهاد شده است که این نیار با تشکیل جلسات و نشست‌های مشترک گروه معارف با سایر گروه‌های آموزشی، و همکاری‌های پژوهشی و مطالعاتی مشترک، تأمین شود (غلامی گنجوی و شمسایی ۱۳۹۸).

در مطالعه ای دیگر فیروزی بر این باور است که یکی از امور مهم در تدوین محتوای دروس معارف اسلامی تلاش در راستای تنوع بخشیدن به متون دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها متناسب با رشته‌های دانشجویان، برای تدوین متون اختصاصی رشته‌های مختلف است. در این صورت دروس معارف اسلامی بیشتر به حیطة کاربردی و مشاغل دانشجویان مرتبط می‌شود و آنان را برای تصدی شئون مختلف زندگی، از جمله شغلی، بر مبنای ارزش‌های الهی و انسانی مهیا می‌کند (فیروزی ۱۳۹۷).

در پژوهش حاضر، سلامت در چهار بُعد (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) مورد توجه قرار گرفته است. هیئت امنای سازمانی جهانی بهداشت (WHO) در سال ۱۹۹۷، تعریف زیر را از سلامت به تصویب رساند: «سلامت یک حالت دینامیک از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، و معنوی است؛ نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو» (سازمان جهانی بهداشت ۱۹۹۷) این سازمان در

مطالعه حاضر با هدف بررسی امکان ارائه دروس مبانی نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت و ارائه سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی سلامت محور برای بازنگری دروس مبانی نظری اسلام، با روش کیفی انجام گرفت. بر اساس یافته های پژوهش حاضر، رویکرد سلامت‌محور در دروس مبانی نظری اسلام از جهت اهداف، سرفصل‌ها و ابعاد سلامت، امری ممکن دانسته شد. کلی بودن اهداف این دروس و موضوع محور بودن سرفصل‌های آن و همچنین مرتبط بودن باورها و اعتقادات بنیادین با سلامت معنوی، روانی، اجتماعی و جسمی انسان‌ها از مهم‌ترین مستندات و ادله امکان‌پذیری ارائه این رویکرد به حسب دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این مطالعه بود. محور دوم در این مطالعه بررسی مفید و ضروری بودن این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی بود که نه تنها مفید بودن بلکه ضرورت آن مورد توافق تمامی مشارکت‌کنندگان در این مطالعه قرار گرفت. ایجاد جذابیت، نشاط و کارآمدی در دروس مبانی نظری اسلام، ضرورت پاسخگویی به شبهات و پرسش‌های دانشجویان در مباحث میان رشته ای معارف اسلامی و حوزه سلامت (که از جمله اهداف برگزاری دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها است)، ضرورت ایجاد تغییر و تحول در متون آموزشی و به روزآوری محتوای دروس و همچنین استقبال دانشجویان در کلاس‌های دروس معارف اسلامی از مباحث میان رشته ای معارف اسلامی و حوزه سلامت (که می‌تواند به عنوان یک نیاز تلقی شود)، از جمله مستندات ضرورت این رویکرد به حسب نظر مشارکت‌کنندگان است. محور سوم این مطالعه درخواست سرفصل‌های پیشنهادی با رویکرد سلامت محور از مشارکت‌کنندگان برای این دروس بود. در این محور پس از بحث و تبادل نظر در جلسات کمیته‌های تخصصی و کارشناسان و دریافت سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی شرکت‌کنندگان، سرفصل‌ها و موضوعاتی که مورد توافق حداکثری بود استخراج گردید. سرفصل‌ها و موضوعات

دروس مبانی نظری اسلام و جلسه کارشناسان فراهم گردد. انتخاب دو روش گروه اسمی و دلفی در این مطالعه و برگزاری جلسه کمیته تخصصی و کارشناسان، به جهت دستیابی به اجماع یا نظر حداکثری بود تا زمینه اجرایی شدن و تدریس این دروس با رویکرد سلامت محور فراهم شود.

نتیجه گیری

رویکرد سلامت محور در گرایش مبانی نظری اسلام از جهت اهداف، سرفصلها و ابعاد سلامت، امری ممکن؛ و ارائه آن برای دانشجویان پزشکی مفید و ضروری می باشد. امکان پذیری این رویکرد، می تواند پایه و اساس ایجاد تحول، نوآوری و در نتیجه، کارآمدی بیشتر این دروس باشد و ارائه سرفصل و موضوعات پیشنهادی، زمینه مناسبی را برای بازنگری این دروس فراهم می نماید.

پیشنهاد می شود مطالعه دیگری جهت دستیابی به دیدگاههای دانشجویان علوم پزشکی نیز انجام پذیرد. علاوه بر آن، توسعه جامعه آماری این مطالعه به اساتید معارف اسلامی دیگر دانشگاههای علوم پزشکی می تواند موجب نتایج دقیق تر این طرح پژوهشی را فراهم نماید. برگزاری کمیته های تخصصی گرایش مبانی نظری اسلام در گروه های معارف اسلامی دانشگاه های علوم پزشکی جهت تدوین متون آموزشی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت راهکار مناسبی برای عملیاتی شدن این طرح است. هم چنین پیشنهاد می گردد جهت توانمندسازی اساتید معارف اسلامی در دانشگاه های علوم پزشکی، کارگاه های آموزشی مباحث بین رشته ای حوزه سلامت و معارف اسلامی برنامه ریزی شود.

تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم می دانند از اساتید گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت، تمامی اساتید و کارشناسان محترم که ما را در این مطالعه یاری نمودند، صمیمانه قدردانی نمایند. لازم به ذکر است این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «امکان سنجی

تقسیم بندی بیماری ها در ICD-10 «بعد معنوی» را اضافه کرده است. به عبارت دیگر همان گونه که ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی به هم ارتباط دارد و دارای تأثیر متقابلند، بُعد معنوی انسان و سلامت معنوی او، با سایر ابعاد سلامت در ارتباط و تأثیرگذار است (سازمان جهانی بهداشت ۲۰۰۵). بر این اساس در این پژوهش، سلامت در این چهار بُعد (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) مورد توجه قرار گرفته است، گرچه ابعاد دیگر سلامت مانند سلامت فکری، اعتقادی، رفتاری و ... مرتبط با برخی از ابعاد چهارگانه سلامت می باشند.

برای دروس مبانی نظری اسلام تا به حال متنی با رویکرد سلامت محور برای تدریس در دانشگاه های علوم پزشکی تدوین نشده و پیشینه ای برای آن وجود ندارد. نظر تمامی اساتید و کارشناسان در مفید و ضروری بودن رویکرد سلامت محور در دروس معارف اسلامی، بیانگر ضرورت تلاش برای اجرایی نمودن این رویکرد در دروس معارف اسلامی است. ارائه این رویکرد، تلاشی برای توجه نمودن به مباحث بین رشته ای معارف اسلامی و حوزه سلامت خواهد بود. هم چنین توجه به رویکرد سلامت محور در دروس معارف اسلامی دانشگاه های علوم پزشکی، می تواند نقش بازدارندگی از دیدگاه های افراط گرایانه و تفریط گرایی در حوزه دین و علوم پزشکی داشته باشد. این رویکرد می تواند زمینه تحول، نوگرایی و کارآمدی دروس معارف اسلامی را در دانشگاه های علوم پزشکی فراهم نماید. آن چه که در این رویکرد باید به آن توجه نمود و نباید مورد غفلت قرار گیرد توجه نمودن به اهداف اصلی برگزاری دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (همانند تقویت باورها و بنیان های اعتقاد، معنویت و اخلاق) است.

از فرصت ها و نقاط قوت مطالعه می توان به باز پاسخ بودن پرسشنامه اشاره نمود که موجب شد دلایل و مستندات امکان و ضرورت این رویکرد از سوی مشارکت کنندگان بیان شود تا امکان تبادل نظر و دستیابی به نظر حداکثری یا اجماعی، در جلسه کمیته تخصصی

strategies of Islamic education courses in Shiraz University of Medical Sciences. Epistemological Studies in Islamic University, Vol.23., No. 80, Pp 415-428. [in persian]

International statistical classification of Diseases and Health Related problems ICD-10.2 Edition Geneva Switzerland. WHO 2005. [in persian]

Liaghatdar, M, et al.,2008 Survey of Students' Satisfaction with General Courses of Islamic Education in Kerman, Journal of the Islamic Revolution, No. 14, Pp 1-22. [in persian]

Rostami, B, et al. 2016, Students' Satisfaction with the Quality of Educational Services, Department of Islamic Education, Zanjan University of Medical Sciences, Journal of Development Strategies in Medical Education, No. 5, Pp1-14. [in persian]

Yousefi Loyeh, V,2007, The effect of teaching Islamic education courses on students' religious attitudes, Journal of Islamic Education, Vol, 3.No, 5,Pp153-184. . [in persian]

World health organization (1997) Review of the constitution EB 10 1/7, p.2. [in persian]

ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت « است. این پروژه با حمایت معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با کد علمی ۱۹۸۲۹۲ انجام شده است.

References

Ashouri Talouki, N,2001, Islamic Education Courses; Problems and Issues Ahead, Isfahan Culture Magazine, No. 22, Pp.4-16. [in persian]

Amini, M, et al.,2013, Analysis and evaluation of barriers to the effectiveness of Islamic education courses, Journal of Education Development in Medical Sciences, No.10, Pp. 13-22. [in persian]

Aghajani Qanad, M, Study of the Attitudes of Ilam University Students Towards Islamic Education Courses, Master Thesis, Ilam, 2001. [in persian]

Deputy Minister of Islamic Education Professors and Courses, new titles and topics of Islamic education courses, approved by the 542nd session of the Supreme Council of the Cultural Revolution: 2007, Qom, published by Bada'a al-Rasool. [in persian]

Firoozi, R,2015, Pathology of courses and position of professors of Islamic education according to the views of Urmia medical students in professional doctoral courses, epistemological studies in Islamic University, Vol.19., No. 63, Pp 151-175. [in persian]

Gholami Ganjavi, Ab, et al.2019, Recognizing the harms and efficiency

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی
سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

امکان سنجی و بازنگری ارائه دروس مبانی نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت در دانشگاههای علوم پزشکی

محمود ایوبی*؛ عضو هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
عبدالحمید آکوچکیان؛ دانشجوی دکترا، گروه مطالعات بنیادین علم، پژوهشکده علم و دین، پژوهشگاه فرهنگ و معارف
اسلامی، تهران، ایران

چکیده: توجه به رویکرد سلامت‌محور در ارائه دروس معارف اسلامی برای دانشجویان علوم پزشکی می‌تواند منشأ پویایی و کارآمدی این دروس گردد. هدف این مطالعه بررسی امکان‌پذیری ارائه دروس مبانی نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت و ارائه چارچوب کلی برای تدوین سرفصل‌های جدید این دروس است. این مطالعه با رویکرد کیفی و در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام گرفت. نمونه‌گیری به شکل هدفمند و شامل ۲۲ نفر از مدرسان دروس مبانی نظری اسلام در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، کارشناسان حوزه معارف اسلامی و متخصصان حوزه سلامت و آشنای به مباحث حوزه معارف اسلامی بودند. ابزار مطالعه پرسشنامه بازپاسخ محقق ساخته و اجماع نظرات با روش گروه اسمی و دلفی انجام شد. تمامی مشارکت‌کنندگان ارائه دروس مبانی نظری اسلام را با رویکرد سلامت‌محور از جهت اهداف این دروس و ارائه به‌حسب ابعاد سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) امکان‌پذیر دانستند. ۶۰ درصد معتقد بودند امکان ارائه به‌حسب سرفصل‌های مصوب وجود دارد. ۱۰۰ درصد این رویکرد را برای دانشجویان علوم پزشکی مفید و ضروری دانستند. سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی با رویکرد سلامت‌محور، مورد توافق ۷۲ درصد مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. بر این اساس رویکرد سلامت‌محور در دروس مبانی نظری اسلام از جهت اهداف، سرفصل‌ها و ابعاد سلامت امری ممکن و ارائه آن برای دانشجویان پزشکی مفید و ضروری می‌باشد. امکان‌پذیری این رویکرد می‌تواند پایه و اساس ایجاد تحول، نوآوری و در نتیجه کارآمدی بیش‌تر این دروس باشد. سرفصل‌ها و موضوعات پیشنهادی زمینه مناسبی را برای بازنگری این دروس فراهم می‌نماید.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی، بازنگری، دروس مبانی نظری اسلام، رویکرد سلامت‌محور.

***نویسنده مسؤول:** عضو هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: ma.auobi@gmail.com